



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۱۸/۰۶/۱۰

مصطفی عمرزی

حس بد

کنایه ای ست که «مردم افغانستان، نصف قرآن را قبول ندارند!» تحلیل این کنایه، به علاقه مردم ما به رفتار و کرداری منوط می شود که در باور های دینی، اصلاً اعتدال را نمی شناسند.

در جامعه سنت گرای ما، مفاسد سنتی بسیار اند. از گرایش های مذموم جنسی تا خلافکاری های گسترده، اکثر مجرمان با چهره هایی ظاهر می شوند که با البسه سنتی، همیشه خجل می شویم؛ افشای یک رسوایی جنسی، به خصوص از نوع فرهنگی که با رقص و پایکوبی به همراه است، تعدادی را نشان می دهد که با ریش و لنگی، شاید با وضو و اهل مسجد، اما اهمیتی به تماشاخانه ای نمی دهند که بر اثر انحراف جنسی، آنان را تشویق می کند در اوج تعصب و سنت، فساد را اجازه دهند.

حدیث مشهوری ست که درجات ایمان، بر اثر رفتار شناخته می شود. در این حدیث، خوب ترین با ایمان، وارد عمل می شود. درجه دوم به بیانیه مربوط است و درجه سوم، نزد خودش محکوم می کند.

رفتار مردم سنتی و مذهب زده ما، اما در امر بالمعروف، بیشتر درگیر اموری ست که در باور های دینی، جزو شخصیات شناخته می شوند. من همیشه از کنجکاوای ها و شکاکیت هایی آزرده می شوم که می بینم بر اثر فساد اجتماعی گسترده، یک نمازخوان اهل مسجد، تا پایان نماز، به بوت هایش می اندیشد که دزدی نشود. در این مثال، در جامعه ای که برای درآمد بیشتر، تهمت، دروغ، دزدی و قتل، به سوی ریکارد می رود، اکثریت مذهبی در اموری مشوق اند که در مسایل عبادی، در نماز، روزه و امثال آن، شخصی ترین مسایل میان خدا و بنده، شمرده می شوند.

عموماً حس بدی وجود دارد که می بینیم در سراپای اجتماع مذهبی و مذهب زده، فساد به اوج می رسد و در این احاطه، بدترین عمل ضد دین یا همجنس بازی، جزو تفریحات گروهی، به محافل عروسی می رسد، اما علاقه مندان یا متظاهران به دین، با نماز و روزه مردم، سر و کار دارند.

خواندن یا نخواندن نماز، گرفتن یا نگرفتن روزه، تاثیری بر زنده گی دیگران ندارد، اما رفتار، کردار و پندار بد، می تواند جامعه را آلوده کند. حس بد این افاده، به این روشنگری می افزاید که اگر نوع برخورد از مسایلی که جزو شخصیات دینی اند، به صوب درست رهنمون شود، بیان فرهنگی و کردار هادی، باید روی مسایلی متمرکز شود که در اوج یک جامعه سنتی می بینیم؛ گرایش ها و مذهب زده گی های گسترده مردم با برپایی مسایل عبادی، نماز و روزه، هیچ اثری روی کنش هایی نمی گذارند که بر اثر نبود قاطعیت در امر بازدارنده گی، در یک اجتماع سراپا تعصب و سنتی، بدترین نوع فساد، سوء استفاده از همجنس برای تامین اغراض شخصی است.

پیامبر (ص) می فرماید: بهترین شما کسی ست که مردم از دست و زبان اش در امان باشند.

حس بدی به آدم دست می دهد که می بیند علاقه مندان مذهب زده و سنتی، در امور شخصی شما (نماز و روزه)، کله کشک می کنند و تا مرز پند و اندرز، شاید توهین، می خواهند وارد حریم شخصی شوند، اما همین مجموعه، عملاً از توانی بهره نمی برند تا جلو آنانی را بگیرند که با انواع فساد، مردم را به ستوه می آورند.

فکر می کنم خوانش یک طرفه افراط در بیان امور عبادی، به فرهنگی مبدل شده است که در دو صورت خوب و بد آن، در کنار انبوه تظاهر به دین، فرهنگ بازدارنده دینی، از مهار فساد، عاجز می شود. شاید نمونه های استبداد دینی، شماری را قناعت دهند که جزا، موثر واقع می شود، اما تجربه نشان داده است اگر ریشه‌ابی مشکلات از نظر بیافتد، به مصداق «شکم گرسنه ایمان ندارد»، سخت ترین مجازات ها نیز موثر نیستند.

ایران اسلامی با بیش از هشتاد میلیون جمعیت، پس از چین که بیش از یک میلیارد نفوس دارد، اعدام می کند، اما این ارقام با هر سال، افزایش می یابد.

حس بدی از درک نادرست مردم و فرهنگ هایی رایج، وجود دارد. در جامعه ای که با تظاهر مذهبی، به هر کار شخصی نظر دارند، همسو با آن، مفاسد بی داد می کنند. در چنین حالی، حس بد، زمانی به اوج می رسد که مشغله متظاهران، ایجاد محدودیت برای زنده گی بخور و نمیر مردم است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

مگر خوشی های مردم ما چه قدر اند که کی با نمونه قرون وسطایی در مجاورت مفاسد، اما فقط به ریش، لنگی، نماز و روزه، به اصطلاح گیر می دهد. حتی بدترین دیکتاتوری های مذهبی نمی توانند با اعمال نظارت، مردم را از حس بدی رهایی دهند که وقتی زیر سقفی تنها شدند، با مازوخیسم تحمیلی، به هرچه امور عبادی و شخصی دینی اند، نه می گویند. نهایت فشار اجتماعی، تحمیل تظاهر به دین است، اما در خلوت های خانه، می تواند به ساده گی نوشیدن یک گیلاس آب، بشکند.

شاهکار بینش پژوه (خواننده ایرانی) با آهنگ جذاب و زیبایی «به تو چه!»، حس بد را بسیار منطقی نمایان می کند.

من اگر باده خورم- باده پرستم، به تو چه
گر که با ماخری تنگ نشستم، به تو چه
خود خدا گفته در توبه همیشه باز است
تو خدایی مگر ار توبه شکستم، به تو چه
ای که از کاسه قرآن خدا، داغ تری
از محمد تو مسلمان تر، علی تر ز علی
یا تو دانی و زنی خود به علی چپ کوچه
یا که از عقل ز بنیاد نداری خبری
آیه روشن قرآن نشنیدی خبرت؟
که چنین ساخته ای دین خدا را سپرت
ای ریاکار! مشو رو به خدا، هی خم و راست
این نماز است؟ الهی بزند بر کمرت
تو که آلوده به نه بند گناهان کبیری
تو که در خلوت خود رحم نکردی به صغیری
رو به آئینه خودت را بنشین موعظه کن
ای تو گفتار منش روبه پیر
باش خاموش که گوید همه زین پس به تو چه
به تو چه کس چه کند هرچه کند، به تو چه
نه تو را در گور من می زده می خوابانند
نه مرا گور تو، گور پدرت، پس به تو چه
شاهکار! تو مزن حرف حقیقت، به تو چه
می کشند از چپ و راست به میخت، به تو چه
شعر کم گو، مگر از جان خودت سیر شده ای
که کنی پای فراتر ز گلیمت، به تو چه
شاهکار! تو خودت غرق گناهی، به تو چه
تو خودت پیش خدا، رو سیاهی، به تو چه
دیگران را تو رها کن، تو برو خود را باش
تو خودت قعر جهنم، ته چاهی، به تو چه!
یادآوری:

از طریق لینک زیر، آهنگ «به تو چه!» را تماشا کنید!

<https://www.facebook.com/mustafa.omarzai.9/videos/775549359162379>